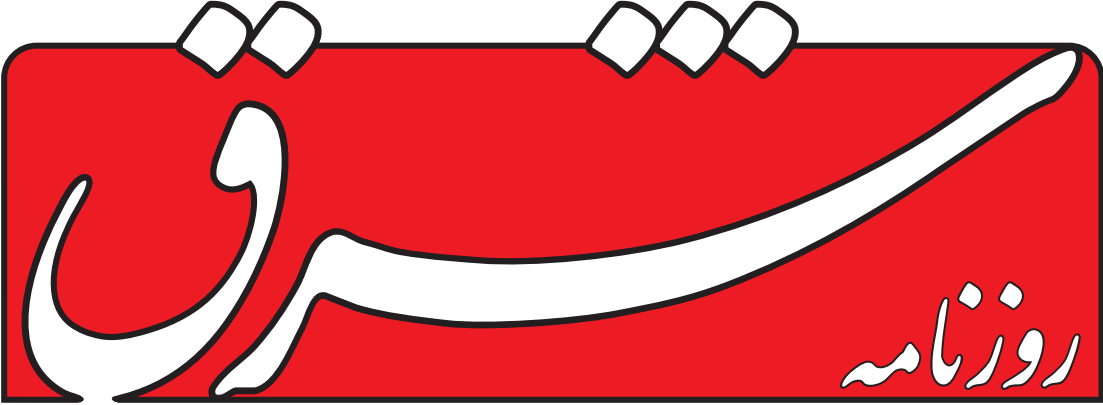


محمد مهدی انتشاری، عضو سابق هیئت مدیره باز نشستگی کشور، در گفت وگوبا «شرق»:

دولت‌ها بنگاه‌داران خوبی نیستند

هشت ماه از عمر دولت نگذشته، اما هر روز با حواشی بسیاری روبه‌رو هستیم که مهم‌ترین آن، استیضاح وزرای اقتصاد، بهداشت، صمت و کار و رفاه اجتماعی است. در میان چهار وزیری که نامشان در دستور کار مجلس قرار گرفته است، **حجت‌الله عبدالملکی** چندی پیش بعد از کش‌وقوس‌های فراوان در منصب خود باقی ماند.

صفحه ۲



سه‌شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۱ • ۱۵ شوال ۱۴۴۳ • ۱۷ می ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۸۰ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: پناهندگان در شهر؛ سیاست‌گذاری و عدالت اجتماعی، سعید مدنی بازداشت شد، عصر جدید را بخیرید؛ اما پاساژ نکنید و یادداشت‌هایی از نعمت احمدی، مهدی مقدری، عبدالرضا ناصرمقدسی

مسیر ترانزیتی مشترک بین هند، کشورهای عربی، اسرائیل و ترکیه، ایران را دور می‌زند

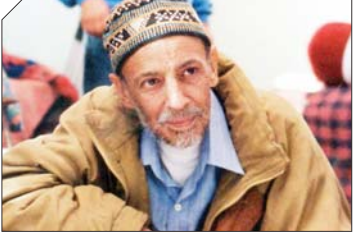
چشم‌حیفا به خلیج فارس

رویگردانی هند از **بندر چابهار** رمزگشایی شد

نوستالژی

گفت‌وگوبا احمدطالبی نژاد درباره فیلم«کمال‌الملک»

علی حاتمی هیچ‌گاه تک‌بعدی نبود



گزارش تیتربک را در صفحه ۵ بخوانید

یادداشت‌روزنامه‌نگاران

مسمومیت الکلی تا کی؟



حسین نوری‌نیا

خبر درنکاد مسمومیت ده‌ها نفر از شهروندان بندرعباس و فوت عم‌بشار حداقل ۱۶ نفر از آنان که عمدتاً جوان بودند، بر اثر مصرف الکل تقلبی، اتفاق عجیب‌وغریبی نیست؛ گوش ما ایرانیان پر است از اتفاقات ناشی از مصرف سوء الکل که منجر به فوت یا بیماری گروهی افراد مصرف‌کننده شده است؛ اتفاقی که به جز غم و سوگ از دست‌دادن عزیزان خانواده‌هایی، مداوای پرهزینه‌ای را بر خانواده و جامعه تحمیل کرده است. برای نمونه در ابتدای اردیبهشت سال ۹۹ سخنگوی وزارت بهداشت اعلام کرد در دو ماه پنج‌هزارو ۱۱ نفر بر اثر مصرف الکل تقلبی (برای مبارزه با کرونا) مسموم شدند که ۵۲۵ نفرشان فوت کردند. در برخی خبرها تا ۸۰۰ فوتی هم بیان شد. سال ۹۸ در یک روز ۶۲۰ نفر در اهواز مسموم شدند که ۵۶ نفرشان فوت کردند. در سال ۹۸ حدود ۱هزارو ۵۰۰ نفر مسمومیت الکلی در کشور داشتیم که در مراکز درمانی ثبت شدند. در سال ۹۷ در شهر کوچک بانه در یک روز ۲۱ نفر مسموم شدند. سال ۹۶ در سیرجان نزدیک به ۱۲۰ نفر در یک روز مسموم شدند که حداقل پنج نفر فوت کردند. سال ۹۲ در رفسنجان در یک روز بیش از ۶۰۰ نفر مسموم و بیش از ۴۰ نفر فوت کردند. اینها نمونه‌ای از خروار است که آمار اعلامی است. این اتفاق‌ها در سطح شهرها، نوعی فاجعه قلمداد می‌شود.

بسیاری از فوت‌شدگان با الکل جوانان هستند که از دست‌دادن آنها با سیاست جوانی جمعیت منافات دارد. تلاش اصلی این سیاست باید بر حفظ جوانان موجود و سوق‌دادن آنان به تشکیل خانواده باشد. حتی یک جوان نیز برای این سیاست باید ارزشمند باشد و از دست‌دادن هر جوان باید برایش بسیار مهم و غم‌انگیز تلقی شود.

در ماجرای مسمومیت‌های الکلی، نمی‌توان صرفاً مصرف‌کنندگان را مقصر دانست. اینکه بگوییم مصرف‌کنندگان و مشکل خودشان است، عین بی‌مسئولیتی و فرار از جایگاه پاسخ‌گویی است. اعلان چنین رویدادهایی را می‌توان اضلاع مثلثی فرض کرد که یک ضلع آن فرد مصرف‌کننده و ضلع دوم فرد تولیدکننده است. در هیچ دوره تاریخی حتی جامعه ایران تهی از مصرف‌کننده و تولیدکننده مشروبات الکلی نبوده است. تجربه این ۴۲ سال نیز نشان داده است که با وجود ممنوعیت مصرف، از میزان مصرف کم نشده است. «گزارش سازمان جهانی بهداشت نشان می‌دهد که ایران از نظر سرانه مصرف الکل در میان مصرف‌کنندگان «مداوم» نوشیدنی‌های الکلی، رتبه نهم را در میان ۱۸۹ کشور جهان به خود اختصاص داده است. مطابق گزارش این سازمان هر ایرانی بالای ۱۵ سال که «به طور مرتب الکل می‌نوشد»، در سال ۲۰۱۶ به طور میانگین ۲۸.۴ لیتر الکل خالص مصرف کرده است. این رقم در سال ۲۰۱۰ به میزان ۲۴.۸ لیتر بوده است». ازاین‌رو ضلع سوم و قاعده مصرف نوشیدنی‌های الکلی، جامعه است.

ادامه در صفحه ۴

حجت‌الاسلام فاطمی‌نیا دارفانی را وداع گفت

پیام تسلیت رهبر انقلاب در پی درگذشت حجت‌الاسلام فاطمی‌نیا

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: رهبر معظم انقلاب با صدور پیامی درگذشت عالم واعظ حجت‌الاسلام آقای حاج سیدعبدالله فاطمی‌نیا را تسلیت گفتند. متن پیام به این شرح است: «درگذشت عالم واعظ درس‌آموز، جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سیدعبدالله فاطمی‌نیا رضوان‌الله علیه را به خاندان گرامی…

صفحه ۲



بزنگاه سیاست و ادبیات: گفت‌وگو با علی میرسپاسی

درباره «چشم‌هایش» بزرگ علوی

تاکتیک بدون استراتژی

عکس: کل‌ار اسجادیان

عکس: کل‌ار اسجادیان

«بزنگاه سیاست و ادبیات»، محل تلاقی این دو مفهوم است. بسیاری از منتقدان اروپایی ازجمله ژیل دلوز، والتر بنیامین، جورجو آگامبن، ژاک رانسییر، آن بدیو و اسلاوی ژیزک و دیگران به واسطه ادبیات و هنر، پروژه‌های فکری خود را راهبردی کرده‌اند. این کار هم به وسعت دامنه ادبیات می‌افزاید و هم سیاست را از سترونی‌ای که همواره کریبان‌گیرش بوده است، رها می‌سازد. بگذریم از نویسندگانی مانند آندره مالرو و ماریو بارگاس یوسا که هم دستی در سیاست داشته‌اند و هم به شکلی جدی آثاری درخشان در حوزه ادبیات خلق کرده‌اند؛ اما بحث کنونی ما فراتر از این موضوع است.

ما یا کسانی به‌گفت‌وگو می‌نشینیم که دغدغه خلق و تولید ادبیات ندارند. ادبیات برای آنها بستر مناسبی ایجاد می‌کند تا اندیشه‌های‌شان را از طریق زمان و داستان کوتاه به شکلی انضمامی تحلیل کنند. این به بیان درآمدن زوایای پنهان سیاست، این امکان را پیش‌روی نظریه‌پردازان علوم سیاسی و فعالان سیاسی قرار می‌دهد تا به مردم به‌مثابه مردم، بیش‌ازپیش نزدیک شده و دردآشنای آنان باشند. از سوی دیگر هم ادبیات قابلیت خود را می‌شناسند و درصدد افزایش این قابلیت برخواهد آمد. فارغ از این مسائل، همواره نقدهای میان‌رشته‌ای از جذابیت ویژه‌ای برخوردار است و اگر کار به شعبده‌های ادبی و سیاسی نکشد، راه‌گشای دقیقی برای هر دو حوزه خواهد بود. در همین زمینه اولین گفت‌وگو را با علی میرسپاسی انجام داده‌ایم. او یکی از نظریه‌پردازان حوزه جامعه‌شناسی است که هم‌اکنون استاد جامعه‌شناسی و مطالعات خاورمیانه در دانشگاه نیویورک و رئیس مرکز مطالعات ایران‌شناسی همین دانشگاه است. «تاملی در مدرنیته ایرانی» یکی از کتاب‌های مهم اوست که در روزنامه «شرق» درباره آن نویسنده‌اش به گفت‌وگو نشستیم. علی میرسپاسی از دوران دبیرستان علاقه وافری به کتاب «چشم‌هایش» بزرگ علوی داشته است. این علاقه، او را به بحثی جدی با دو تن از معلمان خود وادار می‌کند که نگاهی مارکسیستی به ادبیات دارند. میرسپاسی بعد از سال‌ها یاد و خاطره مواجهه با معلم‌هایش را فراموش نکرده است و با شغفی انکارناپذیر از آن دوران سخن می‌گوید.

این گفت‌وگو را در صفحه ۶ بخوانید

یادداشت

روحانی کشور را در شرایطی از معجزه هزاره سوم تحویل گرفت که در سیاست داخلی مردم «صدقه‌بگیر» دولت شده بودند و در سیاست خارجی مهم‌ترین دستور کار کشور خارج‌کردن کشور از قیدوبند قطع‌نامه‌ها و تحریم‌های متنج از بحران هسته‌ای در سیاست خارجی و سامان‌دادن تولید و حذف یارانه‌ای بود که در روز آغاز پخش پیول در دولت نهم معادل ۵۰ دلار و در آخرین روزهای دولت دهم کمتر از یک‌سوم آن شده بود. تولید وانهاده و دلالی و رانت‌خواری جای آن را گرفته بود. معنی اشتغال به دو ساعت کار دستفروشی در خیابان و مترو تقلیل یافته بود.

امروز اگر تحریم‌ها را مانع اصلی عقب‌ماندگی کشور در مقایسه با همسایگان می‌دانیم، مگر غیر از این است که سیاست خارجی آن دولت و علی‌الخصوص چهار سال اولش مسبب اصلی تحریم‌ها و گشودن درهای رانت‌خواری است که به بهانه دوزدن تحریم‌ها از همان زمان کلید خورد. مفسده‌های که اگر روزی بایک زنجانی‌ها شاخص آن بودند، امروز به هیولایی تبدیل شده که بایک زنجانی مقابل کسانی که در این مسیر افتاده و بیت‌المال را با اختلاس تخلیه می‌کنند، بسان گنجشکی است در مقابل مقاب.

کسانی که در آن روز‌ها برای احمدی‌نژاد نذر می‌کردند و در منابر و مساجد به او دعا می‌کردند، اکنون چه جوابی برای مردمی گرفتار ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی دارند؛ طرفه آنکه سخنان و مصاحبه‌های همان معجزه هزاره سوم، امروز به بزرگ‌ترین دغدغه فکری حامیان آن زمان وی و چالش سیاست‌گذاران کشور تبدیل شده است. روحانی اگر هیچ کار نکرده باشد، همین که توانست کشور را از چنبره شش قطع‌نامه الزام‌آور شورای امنیت سازمان ملل نجات دهد، شایسته تسخین است. مشکل کشور در سنجاق‌کردن معیشت مردم، آینده جوانان و توسعه کشور در چنان سیاست خارجی و سیاست ترجیح تملق و عوامی‌گری بر صراحت و نجبگی در داخل است. یک بار فرق هاشمی و احمدی‌نژاد را در نگاه به پدیده «مهاجرت» در همین ستون نوشتم. نگاه احمدی‌نژادی همچنان جاری و ساری است؛ هرچند او با تغییر چهره به منتقد آن تبدیل شده باشد.

دست‌فروشی محدود به بی‌گاران و گروه‌های کم‌درآمد نیست و

مهدی بازرگان، وزیر امور خارجه ایالات متحده آنتونی بلینکن با ژان ایو لودریان، آتالنا بانژیوک و لیز تراس همتایان اروپایی خود درباره برجام دیدار و گفت‌وگو کرد. علاوه بر آن وزیر امور خارجه آمریکا با فیلیپ اِرا، مدیرکل امور سیاسی و امنیتی فرانسه نیز درباره آینده توافق هسته‌ای و مذاکرات وین رایزنی دو جانبه‌ای داشته است. پیش از آن نیز شیخ محمد بن عبدالرحمن آل ثانی، وزیر امور خارجه قطر هم با جوزف بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و همچنین رابرت مالی، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران گفت‌وگوهای تلفنی جداگانه‌ای درباره مذاکرات هسته‌ای انجام داده بود. در نگاه اول همه این تحرکات معنا دار دیپلماتیک پس از بازگشت انریکه مورا و شیخ تمیم از ایران حکایت از موفقیت نسبی تلاش‌های میانجیگریانه امیر قطر و نماینده ارشد اتحادیه اروپا برای آتش‌شدن ریخ مذاکرات وین دارد؛ بن‌بستی که غرقبه روزشمارش عدد ۶۷ را نشان می‌دهد. به‌خصوص آنکه سعید ختیب‌زاده، سخنگوی وزارت امور خارجه دولت رئیسی نیز دیروز (دوشنبه) عنوان کرد که «چندقدم جلوتر از سفر آقای مورا به تهران هستیم». بااین‌حال به نظر می‌رسد که باوجود شکسته‌شدن بن‌بست مذاکرات وین موانع شکل‌گیری این سکون کماکان به قوت خود بابر جاست.

این گزارش را در صفحه ۴ بخوانید

بیشتری برخورد کرد. نکته سوم اینکه از نظر برخی پژوهشگران، افزایش روزافزون عمل دست‌فروشی ریشه در قوانین و مقررات سخت‌گیرانه اصناف دارد. تصمیم‌گیران بسیاری از اصناف مخالف ورود افراد جدید و خلاق به صنف هستند و با انواع بهانه‌ها، مانع ورود افراد جدید می‌شوند. انحصاری‌شدن اعطای مجوز زمینه‌ساز چنین مسئله‌ای است. در چنین مواقعی، مداخله دولت لازم است تا مطمئن حاصل شود که سازوکارهای برخی اصناف منجر به انحصار نمی‌شود.

اما مسئله مهم درخصوص دست‌فروشی، ساماندهی آن است. اغلب ساماندهی به معنای دورکردن افراد از خیابان‌ها و معابر اصلی شهر تلقی شده؛ بنابراین با واکنش منفی این گروه همراه است. این‌گونه تصور می‌شود که با ساماندهی دست‌فروشان می‌توان تهدید را تبدیل به فرصت کرد و با ساماندهی درست مسئله، هم تعارض منافع بین دست‌فروشان و مغازه‌داران را حل کرد و هم عادلانه رفتار کرد. ساماندهی به این معنا که شهرداری‌ها مکان‌هایی غیر از پیاده‌روها برای دست‌فروشان ایجاد کنند تا آنها بتوانند با خیال آسوده‌تری اقدام به مبادله و معامله کنند. اما این راه‌حل نیز چالش‌هایی دارد. مسئله اول جایابی مکان ساماندهی است. در اطرف و نزدیک خیابان‌های اصلی که معامله و خرید و فروش رونق زیادی دارد، مکان‌های خالی برای اختصاص به این کار وجود ندارد و اغلب مکان‌هایی که به ساماندهی اختصاص می‌یابد، دور از بازار اصلی و خیابان‌های پررفت‌وآمد است و دست‌فروشان از این مکان‌ها استقبال نمی‌کنند. مسئله دوم این است که در برخی موارد، مغازه‌داران و اصناف تبدیل به دست‌فروشان می‌شوند.

ادامه در صفحه ۴

تنوع زیادی در میان آنها وجود دارد. طبقه متوسط و کسانی که دارای تحصیلات عالیه هستند، معلولان، مغازه‌داران، افراد معتاد و… نیز دست‌فروشی می‌کنند. در روزهای خاصی از سال، اغلب مغازه‌داران و اصناف نیز با به‌خدمت‌گرفتن فروشندگان، کالاهای خود را در کنار یا روبه‌روی مغازه خود به فروش می‌رسانند و گاه نیز مغازه‌داران محیط پیاده‌روی اطراف را اجاره و در قبال مبلغی در اختیار برخی افراد قرار می‌دهند. به عبارتی در برخی خیابان‌ها و پیاده‌روهای پررفت‌وآمد، اغلب دست‌فروشان همان مغازه‌داران هستند. بنابراین شاهد پدیده‌ای با عنوان مغازه‌دار-دست‌فروش هستیم. دوم اینکه از نظر اغلب خریداران و مصرف‌کنندگان، دست‌فروشان در خیابان نه‌تنها معضل به شمار نمی‌آیند، بلکه باعث رونق و شور و شوق در خیابان و کاهش قیمت‌ها هستند و به نوعی در جهت منافع مصرف‌کنندگان حرکت می‌کنند. در نزد اغلب افراد، دست‌فروشی در راستای تأمین نیاز مردم است و امکان انتخاب‌های بیشتری برای خریداران فراهم می‌کند و در عین حال موجب خسارت به افراد دیگر (مغازه‌داران) نمی‌شود. برای مثال، برخی افراد کم‌درآمد و فقیر جامعه در صورتی که دست‌فروشان میوه نیاشند، قادر به خرید میوه از مغازه‌ها نیستند.

اما برای شهرداری‌ها دست‌فروشی چهره زشتی به شهر می‌دهد و محل نظم در عبور و مرور است. بنابراین تصور اغلب مردم درباره دست‌فروشی با رویکرد شهرداری و اصناف تفاوت دارد و اغلب مردم نوع برخورد شهرداری‌ها با دست‌فروشان را نمی‌پسندند و ناروا می‌دانند و اهانت به آنها را حرکتی غیرانسانی تلقی می‌کنند. درحالی‌که مدیران شهرداری و اصناف معتقدند با دست‌فروشان به‌مثابه اختلال در نظم شهر و قانون‌شکنان باید با شدت



حمزه نوری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه